

سنجش خوانایی کتاب متون و قواعد زبان عربی ۱ بر اساس تکنیک خوانایی کلوز

اسحق رحمانی*

لیلا ایمانی فر**

چکیده

با توجه به جایگاه ویژه زبان عربی در ایران و آمیختگی زبان و ادبیات فارسی با آن، آموختن زبان عربی به منظور فهم بهتر ادبیات فارسی، لازم است. و در همین راستا هر سال کتاب‌های درسی مختلفی به منظور تدریس زبان عربی به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، تألیف و تدوین می‌شود و نکته قابل تأمل این است که محتوای این کتب تا چه اندازه برای مخاطبان قابل درک می‌باشد. لذا به منظور تعیین سطح خوانایی مواد درسی باید محتوای آن‌ها تحلیل و ارزیابی شود. یکی از شیوه‌هایی که به تحلیل و بررسی میزان خوانایی متون درسی می‌پردازد، شاخص خوانایی کلوز است. پژوهش حاضر با به کارگیری شاخص خوانایی کلوز به بررسی میزان سطح خوانایی کتاب *متون و قواعد زبان عربی ۱* پرداخته است. روش پژوهش، تحلیل محتوا بر پایه شاخص خوانایی کلوز بوده و ابزار پژوهش، آزمون چندگزینه‌ای محقق‌ساخته‌ای است که بر روی یک نمونه ۳۶ نفری از دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز اجرا گردید. نتایج پژوهش بیانگر این است که میانگین به دست آمده از آزمون، ۴۱/۱۷ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده دشوار بودن محتواست و اینکه متن کتاب در سطح استرس و فشار روانی می‌باشد و با سطح فراگیران تناسب ندارد.

* دانشیار دانشگاه شیراز (esrahmani@yahoo.com) (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز (mahsa_h59@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۳

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۶۱-۱۴۲

کلید واژه‌ها

تحلیل محتوا، قدرت خوانایی، شاخص خوانایی کلوز، کتاب متون و قواعد زبان عربی ۱.

مقدمه

تعامل و برخورد زبان‌ها با یکدیگر پدیده‌ای است که پیشینه‌اش به آغاز و پیدایش نخستین تمدن‌های انسانی می‌رسد. این حکم درباره همه زبان‌ها جاری است و در رابطه با ایرانیان و اعراب، نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ چرا که این دو ملت، زمانی طولانی در کنار هم زیسته و در زمینه‌های مختلفی همچون بازرگانی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی و روابط دینی با یکدیگر پیوند برقرار نموده‌اند. آمیختگی دو زبان از ویژگی‌های بارز ارتباط زبان فارسی با زبان عربی است. «ارتباط و تداخل زبانی فارسی و عربی پیشینه تاریخی بسیار دیرینی دارد و ارتباطات فرهنگی ایرانیان با اعراب و پیوند زبان و ادبیات فارسی و عربی با یکدیگر، صرفاً به دوره اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه سابقه این ارتباطات به دوره‌های پیش از اسلام نیز بازمی‌گردد و این ارتباطات عمدتاً بر اثر استیلای سیاسی و نظامی حکومت ایران بر مناطقی از بین‌النهرین و یمن و شبه جزیره عربستان صورت می‌گرفت.» (مؤمنی هزاوه، ۱۳۸۴: ۶۵)؛ اما با ورود اسلام به ایران، نوع عمیقی از ارتباط بین دو زبان فارسی و عربی ایجاد شد که منجر به تأثیر و تأثر دو زبان، به ویژه از جنبه واژگانی گردید.

علاوه بر این، تبادلات واژگانی و ساختاری فراوان و همچنین استفاده از اسلوب جمله و خط عربی باعث عمیق‌تر شدن پیوند این دو زبان شده است. چنان‌که می‌دانیم «زبان عربی در گذشته زبان بسیاری از نوشته‌های علمی و ادبی اندیشمندان فارسی‌زبان بوده که از آن برای دستیابی به طیف وسیع مخاطبان استفاده می‌شده است. به‌علاوه، استفاده وسیع از ضرب‌المثل‌ها، آیات، احادیث و اشارات زبان عربی در کتب ادبی زبان فارسی، همچون *کلیله و دمنه*، *تاریخ جهانگشا*، *مرزبان نامه*، *بوستان* و *گلستان سعدی* و مانند آن‌ها به گونه‌ای است که در نهایت درک آن‌ها بدون آشنایی با زبان عربی و مفاهیم آن میسر نمی‌شود.» (دهقانیان و جمالی، ۱۳۹۱: ۳۸).

ضرورت یادگیری زبان عربی تا جایی است که در اصل شانزدهم قانون اساسی کشور به این مهم اشاره شده است: «از آن‌جا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و همه رشته‌ها تدریس شود.» (قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۴).

بنابراین علاوه بر تدریس زبان عربی در دوره متوسطه، در برنامه‌ریزی درسی رشته‌های علوم انسانی دانشگاهی مانند ادبیات فارسی، تاریخ، فلسفه و شاخه‌های مختلف رشته الهیات، آموزش زبان عربی در تعدادی واحد درسی، گنجانده شده است که برنامه‌ریزی حساب شده برای این منظور، تکلیفی است که بر عهده متولیان امر آموزش گذاشته شده است و چنانچه نیازهای دیگر را همچون نیاز حوزه‌های علوم دینی و رشته‌های زبان و ادبیات عرب و علاقه و اشتیاق عربی‌آموزانی را که با انگیزه‌های مختلف خود، به یادگیری زبان عربی رو می‌آورند، بدان بیفزاییم، سنگینی باری که بر عهده متولیان آموزش زبان عربی است، بیش از پیش احساس می‌گردد (شکرانی، ۱۳۷۵: ۲۳). «قرار گرفتن قواعد و قرائت زبان عربی در واحدهای اصلی کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در ادامه همین روند مورد توجه واقع شده و در این راستا کتاب‌های درسی متعددی تألیف شده است» که به منظور تدریس زبان عربی به دانشجویان این رشته طراحی و تدوین می‌شود (دهقانان و جمالی، ۱۳۹۱: ۳۹). از جمله این کتب، مجموعه جدید کتاب «متون و قواعد زبان عربی» تألیف عیسی متقی‌زاده است که برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی توسط انتشارات فاطمی به چاپ رسیده است.

از آن‌جا که در نظام‌های آموزشی متمرکز، کتاب درسی از اصلی‌ترین ارکان یادگیری و محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، لذا در تدوین این کتب، معیارها، اصول و ضوابطی باید لحاظ شود و به منظور اعتباربخشی به آن‌ها، شاخص‌هایی باید در نظر گرفته شود تا کتاب مشتمل بر مطالبی باشد که متناسب با سن و سطح علمی فراگیران باشد و در نهایت باعث ایجاد رغبت و انگیزه در آنان شود. بنابراین باید «به این مهم توجه داشت که هر منبعی که قرار است در راستای اهداف آموزشی به کار گرفته شود، افزون بر ویژگی‌های ظاهری، باید واجد برخی ویژگی‌های محتوایی نیز باشد که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محتوایی متن، توجه به سطح آموزشی مخاطب و توانایی‌ها و قابلیت‌های زبانی وی است.» (غلامی احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۳).

با نظر به اهمیت کتاب درسی و به منظور تعیین میزان تناسب محتوای مواد درسی، محتوا باید تحلیل شود. «یکی از راه‌هایی که می‌تواند این اطمینان را در ما به وجود بیاورد که کتاب منطبق بر اهداف برنامه درسی می‌باشد و همچنین اصول و معیارهای درست آموزشی در آن به کار گرفته شده، استفاده از روش تحلیل محتواست.» (نیک‌نفس، ۱۳۹۲: ۱۲۸). یارمحمدیان برای تحلیل کتاب‌های درسی دو تکنیک را معرفی کرده است که یکی

از آن‌ها استفاده از فرمول‌های خوانایی (readability formulas) و دیگری استفاده از ابزارهای فهرستی یا چک‌لیست‌ها (checklist instruments) است که هر تکنیک از تعدادی روش مختلف تشکیل شده است (۱۳۷۷: ۱۵۰).

یکی از نکات مهم در تحلیل محتوا، سنجش قابلیت خوانایی است. در تحلیل کتاب درسی یکی از مواردی که باید به آن توجه شود این است که آیا محتوای آن کتاب در مقایسه با مخاطبان، از سطح خوانایی مناسبی برخوردار است یا خیر؟ (Johnson, ۲۰۰۰). یک کتاب درسی مناسب باید مطابق با سن فراگیران دارای قابلیت خوانایی باشد. به کار بردن کلمات نامفهوم و دشوار و یا جملاتی طولانی، در میزان یادگیری مطالب تأثیر نامطلوبی می‌گذارد. همچنین برای فراگیران با سطوح بالای علمی، لازم است قابلیت خوانایی را افزایش دهیم (رسولی و امیرآشنایی، ۱۳۹۳: ۱۷۱). فرمول‌های خوانایی میزان سادگی یا پیچیدگی متن برای خواننده را بررسی می‌کند و با مقایسه آن با میزان درک و توانایی خواندن فراگیران، درجه تناسب متن کتاب درسی با سطح خوانایی فراگیران آن کتاب را تعیین می‌کند (حسن مرادی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۱).

به منظور تعیین سطح خوانایی، روش‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از این روش‌ها، روش خوانایی کلوز (Cloze Technique) است. این روش بر کلی‌نگری تأکید دارد و یک روش گشتالتی است. با این روش می‌توان به سطوح متن کتاب‌ها از نظر آموزش و مستقل (خودآموزی) و سطح فشار روانی و سطح آموزشی پی برد (Holsti, ۱۹۶۹). به همین منظور، هدف پژوهش حاضر این است که با استفاده از روش خوانایی کلوز، میزان و سطح خوانایی کتاب متون و قواعد زبان عربی ۱ را از نظر علمی ارزیابی کند. بی‌تردید یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای مؤلفان کتب درسی دانشگاهی و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی مفید باشد.

سؤالات پژوهش

- بر اساس فرمول خوانایی کلوز، متن کتاب متون و قواعد زبان عربی ۱ در کدام یک از سطوح خوانایی - آموزشی، دشوار یا خودآموز - قرار دارد؟
- چه میزان از فراگیران در سطح دشوار و چه میزان از آنان در سطح آموزشی و چه میزان در سطح خودآموز قرار دارند؟

فرضیه‌ها

- متن کتاب متون و قواعد زبان عربی^۱ بر اساس روش خوانایی کلوز برای دانشجویان ترم اول رشته زبان و ادبیات فارسی، در سطح آموزشی قرار دارد.
- بیش از ۶۰ درصد از فراگیران این کتاب، در سطح آموزشی و حدود ۲۵ درصد از آنان در سطح خودآموز و تقریباً ۱۵ درصد از آنها در سطح دشوار قرار دارند.

اهداف پژوهش

- ارزیابی و سنجش سطح خوانایی کتاب متون و قواعد زبان عربی^۱ بر اساس شاخص خوانایی کلوز.
- سنجش میزان استرس و فشار روانی متن کتاب متون و قواعد زبان عربی^۱ در بین دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی.

پیشینه پژوهش

- به منظور بررسی میزان خوانایی کتب درسی، پژوهش‌های متعددی در ایران و دیگر کشورها انجام شده که در این جا نمونه‌هایی آورده شده است که یا از لحاظ روش پژوهش با پژوهش حاضر اشتراک دارد یا از لحاظ موضوع، در زمینه تحلیل کتب درسی عربی است.
- الناجی (۲۰۰۳) محتوای کتاب زبان عربی کلاس ششم ابتدایی در امارات متحده عربی را به منظور تعیین سطح خوانایی و میزان فعال بودن آن، تحلیل کرده است. برای تعیین سطح خوانایی، آزمونی متشکل از سه متن از قسمت‌های مختلف کتاب بر یک گروه ۶۳۲ نفری از دانش‌آموزان دختر و پسر اجرا شده و برای تعیین میزان فعال بودن محتوای کتاب، از روش تحلیل محتوای ویلیام رومی^۱ استفاده کرده است. نتایج آزمون خوانایی نشان می‌دهد که ۶۸/۵٪ از دانش‌آموزان در سطح دشوار، ۲۳/۵٪ در سطح آموزشی و تنها ۸٪ از آنان در سطح مستقل یا خودآموز قرار دارند و از نظر میزان فعال بودن محتوا، این کتاب در سطح مناسبی قرار دارد و محتوای آن منجر به یادگیری فعال و مشارکت آنان در امر یادگیری می‌شود.
- الرشیدی (۲۰۰۵) به بررسی میزان خوانایی کتاب عربی کلاس چهارم ابتدایی در

مدارس کویت با استفاده از روش خوانایی کلوز پرداخته است. سؤالات آزمون از سه قسمت ابتدا، وسط و بخش پایانی کتاب انتخاب شده و روی نمونه ۲۴۰ نفری از دانش آموزان متشکل از ۱۲۰ دختر و ۱۲۰ پسر اجرا شده و پس از ارزیابی، پژوهشگر به این نتیجه رسیده که متون این کتاب برای فراگیران دشوار است و باعث ایجاد فشار روانی بر آنان می‌شود، زیرا ۶۳/۸٪ از دانش آموزان در سطح دشوار و ۳۰٪ از آنان در سطح آموزشی و ۶/۳٪ آن‌ها در سطح خودآموز قرار دارند.

- جوارنه (۲۰۰۸) با استفاده از روش سنجش خوانایی کلوز محتوای کتاب تربیت اجتماعی و ملی پایه چهارم ابتدایی اردن را تحلیل نموده است. سؤالات آزمون در بین نمونه‌ای ۳۰۰ نفری از دانش آموزان دختر و پسر توزیع شده که این نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده است و عدد به دست آمده از آزمون ۳۰/۷۵٪ است و نتایج این پژوهش حاکی از این است که متن این ماده درسی در سطح دشوار است و متناسب با سن فراگیران نیست؛ به‌ویژه در مقایسه دانش آموزان دختر با پسر، نتیجه این بررسی آشکار کرد که دختران به نسبت پسران، توانایی بیشتری در خواندن متن کتاب دارند.

- السرحانی (۲۰۱۱) به وسیله شاخص خوانایی کلوز، کتاب زبان عربی پایه چهارم ابتدایی کشور عربستان را ارزیابی کرده و نتیجه آن بیانگر این است که سطح خوانایی این کتاب پایین است و مناسب فراگیران نیست و برای ۵۶٪ از دانش آموزان خواندن متن دشوار است و حتی با کمک و نظارت معلم نیز فراگیری آن برایشان سخت است و متن برای ۲۸/۷٪ از دانش آموزان در سطح آموزشی قرار دارد و آن‌ها با کمک معلم می‌توانند آن را بفهمند و تنها ۱۵/۳٪ از آن‌ها می‌توانند به طور مستقل و بدون نیاز به نظارت معلم متن را بخوانند و یاد بگیرند.

- عبداللطیف عبدالکریم مؤمنی و محمد مجلی المؤمنی (۲۰۱۱) با به کارگیری روش سنجش خوانایی کلوز به تحلیل کتاب زبان عربی کلاس چهارم ابتدایی در مدارس اردن پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، سنجش میزان خوانایی متن کتاب و همچنین تعیین اثر جنسیت در میزان توانایی دانش آموزان در خوانایی کتاب و ترتیب درج متون براساس درجه خوانایی آن است. به این منظور، آزمون کلوز از سه متن از متون کتاب طراحی شده و بر نمونه‌ای متشکل از ۲۹۲ دانش آموز دختر و پسر اجرا شده است. نتایج نشان می‌دهد که دانش آموزان در این سه متن در سطح دشوار قرار دارند و دختران در مقایسه با پسران از توانایی بیشتری برخوردارند و متن کتاب براساس درجه خوانایی در کتاب درج شده است.

- هاشمی و همکاران (۱۳۸۹) با به کارگیری دو روش توصیفی پیمایشی و روش تحلیل محتوا به بررسی سطح خوانایی کتاب *مهارت‌های اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پرداخته‌اند* و نتایج پژوهش آنان گویای این است که میزان خوانایی متن در سطح آموزشی است و ضریب خوانایی تصاویر دارای اعتبار است و پرسش‌ها نیز از نظر موقعیت سؤالات، مطلوب می‌باشند.

- فضل‌الهی و ملکی‌توانا (۱۳۹۰) به بررسی کتاب *علوم پایه سوم ابتدایی*، بر اساس پنج شاخص و دسترسی به میزان پایداری محتوای آن به رعایت اصول برنامه‌ریزی در تنظیم ساختار پرداخته‌اند و نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر این است که در تنظیم محتوای این ماده درسی، اصل ساده به دشواری رعایت نشده است و از نظر قدرت خوانایی، سطح کلاسی و سطح سنی مطالب نسبت به کلاس سوم تناسب ندارد و محتوای مطالب در حد فشار روانی و استرس‌زاست و توانایی آموزش مستقل را ندارد.

- شعبانی و معماری (۱۳۹۲) به تحلیل محتوای متون درسی تاریخ دانشگاه‌ها پرداخته‌اند و با به کارگیری تکنیک خوانایی فرای، درجه پیچیدگی زبانی این متون درسی را مشخص کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سطح خوانایی بسیاری از این کتاب‌ها به طور جدی محل نقد است و با معیارهای پذیرفته شده متخصصان این حوزه و در رأس آن، تکنیک معیار فرای مطابقت ندارد.

- براتی‌دهقی (۱۳۹۶) با استفاده از شاخص خوانایی کلوز، سطح خوانش‌پذیری کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه را بررسی کرده است، پژوهش از نوع تحلیل محتوا و با استفاده از شاخص خوانایی کلوز بود. جامعه آماری پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در پایه‌های هفتم و هشتم یکی از مدارس متوسطه اول ناحیه ۵ اصفهان است که آزمون کلوز بر نمونه ۲۰۰ دانش‌آموز از ۶ کلاس انجام شد. میانگین و درصد پاسخ‌های صحیح به این آزمون براساس آمار توصیفی و استنباطی نشان داد که محتوای هر سه کتاب عربی دوره اول متوسطه در سطح آموزشی است و برای درک و فهم متون این کتاب‌ها به آموزش معلم نیاز است.

با نگاهی به پژوهش‌های پیشین درمی‌یابیم که تعداد چشمگیری از پژوهش‌هایی که به منظور تعیین سطح خوانایی کتاب‌های درسی در تمام مقاطع انجام شده (الناجی، ۲۰۰۳؛ الرشیدی، ۲۰۰۵؛ جوارنه، ۲۰۰۸؛ السرحانی، ۲۰۱۱؛ مؤمنی و المؤمنی، ۲۰۱۱؛ براتی‌دهقی، ۱۳۹۶) از روش آزمون کلوز استفاده کرده‌اند. نتایج بیشتر این پژوهش‌ها (الناجی، ۲۰۰۳؛ الرشیدی، ۲۰۰۵؛ جوارنه، ۲۰۰۸؛ السرحانی، ۲۰۱۱؛ مؤمنی و المؤمنی، ۲۰۱۱؛ براتی‌دهقی،

۱۳۹۶؛ فضل‌الهی و ملکی توانا، ۱۳۹۰) بیانگر این است که متن بیشتر کتاب‌های درسی، دشوار و پیچیده است و از لحاظ خوانایی در سطح دشوار قرار دارد. در مقایسه توانایی خواندن، بین دختران و پسران، نتایج پژوهش‌ها (جوارنه، ۲۰۰۸) نشان‌دهنده این است که اختلاف چشمگیری بین دختران و پسران وجود دارد و دختران در این زمینه از توانایی بیشتری در خواندن متون برخوردارند.

با بررسی‌های انجام شده آشکار شد که در سطح دانشگاه‌های کشور و به منظور تحلیل مواد درسی دانشگاه‌ها، پژوهش‌های اندکی براساس شاخص خوانایی کلوز انجام شده است. نکته جدید در پژوهش حاضر این است که با توجه به جدید بودن کتاب مورد بررسی، اولین پژوهشی است که به تحلیل محتوای این ماده درسی می‌پردازد و طی جست‌وجویی که پژوهشگر انجام داده، به هیچ پژوهشی درباره این کتاب دست پیدا نکرده است. لذا نتایج این پژوهش می‌تواند برای مؤلفان و برنامه‌ریزان کتب درسی دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات فارسی و عربی سودمند باشد.

جایگاه زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی

پدیده تأثیر و تأثر در همه زبان‌های زنده دنیا وجود دارد و «هیچ زبانی در دنیا نیست که از دیگر زبان‌های دیگر واژگانی وام نگرفته باشد. همه زبان‌ها از یکدیگر تأثیر و تأثر پذیرفته‌اند. هر اندازه زبان‌ها از هم تأثیر بیشتری گرفته باشند، زنده‌تر شده‌اند و این عیب و نقصی برای آن‌ها به شمار نمی‌رود.» (جعفری، ۱۳۹۴: ۲۰). زبانی که با زبان‌های دیگر تعامل نداشته باشد زبانی مرده است. زبان عربی و فارسی نیز از دیرباز با هم ارتباط عمیقی داشته‌اند. زبان عربی در ایران پیشینه‌ای کهن در ادبیات و دستور زبان داشته و آغاز آن همپایه رشد و گسترش رسمی زبان فارسی دری بوده است. علاوه بر اهمیت دینی و مذهبی، زبان عربی در ایران برای زبان فارسی نیز مهم است. «فارسی و عربی چه به عنوان دو زبان همسایه، چه به عنوان دو زبان در قلمرو یک فرهنگ دینی می‌بایست با یکدیگر رابطه و داد و ستد داشته باشند، چنان که داشته‌اند، و می‌بایست بسیاری از واژه‌ها را از یکدیگر بگیرند، چنان که گرفته‌اند.» (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۱۰). بنابراین ورود کلمات عربی به زبان فارسی نه تنها به آن آسیمی نرسانده، که تا حدود زیادی به توانایی‌های زبان فارسی افزوده و زبان فارسی از نظر واژگان برای بیان مفاهیم وسعت زیادی یافته است.

با گسترش اسلام در میان اقوام و ملل مختلف، زبان عربی از ملکیت قوم عرب

خارج شد و متعلق به همه ملل و اقوامی گشت که اسلام آورده بودند و برای فهم قرآن و درک اسلام ناچار به آموختن زبان عربی بودند. در این بین ایرانیان مسلمان در تدوین دستور زبان عربی و تألیف کتب علمی به آن زبان، نقش بسزایی داشته‌اند. «در درازای بیش از چهارده سده حضور اسلام در ایران و نزدیک به دوازده سده تعامل نزدیک فارسی با عربی، بخش عظیمی از ادبیات فارسی از فرهنگ و اندیشه اسلامی و زبان و ادبیات آن متأثر شده است، به گونه‌ای که درک متون فارسی، به‌ویژه تا دوره معاصر، بدون مراجعه به امهات کتب نوشته شده به زبان عربی و حل مشکلات آن ناقص و در برخی موارد ناممکن خواهد بود» (متقی‌زاده و خدایار، ۱۳۹۵: ۲). با توجه به اینکه بخش عظیمی از میراث به‌جامانده از زبان و ادبیات فارسی، ریشه در قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) و گفتار ائمه معصوم (ع) دارد، بنابراین فهم این گنجینه ارزشمند موقوف به یادگیری و فهم زبان و ادبیات عربی است.

اهمیت تحلیل محتوا و بررسی سطح خوانایی کتب درسی

تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهشی در علوم اجتماعی است که در پی شناخت داده‌ها نه به عنوان مجموعه‌ای از رویدادهای عادی، که به منزله پدیده‌های نمادین است و بدون ایجاد اخلال در واقعیت اجتماعی به تحلیل آن‌ها می‌پردازد. در ابتدا، تحلیل محتوا محدود به بررسی پیام‌های ارتباطی و ارتباطات جمعی بود اما امروزه تحلیل محتوا دستخوش تحولات گسترده‌ای شده و به عنوان یک روش تحقیق کمی و کیفی و هم به عنوان یک نظام رشته‌ای، جایگاه ویژه‌ای یافته است و هم‌زمان با گسترش بین‌رشته‌ای، دامنه تحلیل محتوا از علوم ارتباطات به سایر عرصه‌های علوم اجتماعی و حوزه‌های مطالعاتی مختلفی از جمله دین، علوم سیاسی، ادبیات، تاریخ، هنر، پزشکی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌کاوی، تجارت، سیاست و بیش از همه در حوزه تعلیم و تربیت، کاربردهای گسترده‌ای یافته است و به طور گسترده در بیشتر رشته‌ها، از قابلیت‌های این روش در شناخت و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و مفاهیم استفاده می‌شود (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸؛ و محمدی‌مهر، ۱۳۸۷).

در حوزه تعلیم و تربیت و در زمینه بازننگری مجدد مسائل آموزشی و کمک به پویایی و تحرک نظام‌های آموزشی، تحلیل محتوا نقش سازنده‌ای دارد. ترغیب اقدام پژوهی یا پژوهش حین عمل، به معلمان کمک می‌کند تا پدیده‌های تربیتی و آموزشی

را به بوته نقد و تحلیل بگذارند. نقد و بررسی کتاب‌های درسی از منظر میزان تناسب آن‌ها با اصول انتخاب و سازماندهی، میزان تناسب محتوا با اهداف، میزان سؤال محور بودن متن یا محتوا، میزان خوانایی، میزان تناسب محتوا با تأکیدات الگوهای طراحی آموزشی، تعیین موقعیت و تداوم سؤالات کتاب، تعیین تناسب تصاویر کتاب، تعیین تناسب محتوا با توانایی‌های فراگیران از مهم‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا در حوزه تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸).

کتاب درسی یکی از عناصر اصلی در نظام‌های آموزشی متمرکز به حساب می‌آید، چرا که به عنوان محور یادگیری در نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی ایران مطرح است «و با دیگر عناصر آموزشی یعنی استاد و دانشجو (فراگیر) رابطه متقابل دارد. همچنین کیفیت هر یک از عناصر در سایر عناصر مؤثر است. در صورتی که اگر محتوای کتاب درسی دانشگاهی بر اساس اصول و معیارهای تعیین شده در مراحل مختلف تدوین و چاپ، تهیه و تدوین شود و سایر عوامل نظام آموزشی از مطلوبیت لازم برخوردار باشند، اهداف آموزشی و تربیتی نظام آموزش عالی تا حد زیادی محقق خواهد شد. کتاب درسی به طور اعم و کتاب درسی دانشگاهی به نحو اخص باید دارای ویژگی‌هایی باشد که از یک سو با توجه به اهداف و اصولی که در آموزش عالی توسط متخصصان برنامه تدوین می‌شود، و از سوی دیگر با توجه به سابقه تحصیلی و آمادگی‌های ذهنی دانشجویان متناسب باشد.» (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). توجه به ویژگی‌های عاطفی فراگیران از معیارهای مهم در تدوین محتوای کتب درسی است و در انتخاب محتوا باید به ویژگی‌ها و علاقه فراگیران توجه شود. همچنین محتوای کتاب باید با قوه درک و فهم فراگیران متوسط رشته تحصیلی مطابقت داشته باشد و فرصت‌های متعددی را برای فراگیری که قابلیت‌های متفاوت دارند، فراهم آورد. لذا در انتخاب محتوا باید به قابلیت یادگیری محتوا و تناسب آن با ویژگی‌ها و تجربیات فراگیران توجه شود.

با توجه به مطالب مذکور در خصوص اهمیت محتوای کتب درسی، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی امری لازم به نظر می‌آید و از این طریق است که می‌توان به قوت‌ها و ضعف‌های کتاب‌های درسی پی برد. به منظور تحلیل محتوای کتاب‌ها، تکنیک‌ها و روش‌های کمی و کیفی متعددی وجود دارد که برخی از این روش‌ها به بررسی میزان خوانایی محتوا می‌پردازد. متخصصان، فرمول‌های ریاضی مختلفی را به این منظور به کار می‌گیرند، «فرمول‌ها یا نمودارهایی که بر پایه تعداد بی‌شماری از شواهد پژوهشی بنا شده‌اند.

یک فرمول خوانایی، سطح خوانایی متن را پیش‌بینی می‌کند. این فرمول‌ها براساس سن تقویمی ارائه می‌شوند و دقت آن‌ها در حدود یک سال است. سطح خوانایی (سن خوانایی) پیش‌بینی شده نشان می‌دهد که یک خواننده متوسط در آن سن می‌تواند خود را با متن تطبیق دهد.^۱ (معروفی و یوسف زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۷). این تجزیه و تحلیل به‌ویژه بر هجاها، کلمات و جملات یک کتاب متمرکز می‌شود و با شمارش آن‌ها و با کمک یک فرمول، سطح کلاسی، سطح سنی، سطح آموزشی، درجه سادگی و توصیف سبک کتاب را تعیین می‌کند. خوانایی یک متن به سرعت خواندن و سطح دریافت خواننده بستگی دارد و اینکه آن متن تا چه حد برای خواننده قابل فهم باشد (فرای^۱، ۲۰۰۰). سطح خوانایی در واقع تخمین احتمال موفقیت خواننده و درک متن است که به عواملی همچون طول متوسط جملات، تعداد هجاها، تعداد کلمات دشوار و میزان پیچیدگی یا سادگی متن وابسته است (کارداک^۲، ۲۰۱۶: ۱۰۱). یک متن زمانی متناسب با سطح مخاطبانش است که خواننده با استفاده از معلومات و تجربیات گذشته‌اش بتواند آن را بفهمد (آلورمن^۳، ۱۹۸۹). بنابراین متن کتاب‌های درسی باید ساده‌تر از سطحی باشد که خواننده قادر به خواندن آن است. این امر زمانی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند که یادگیرندگان درباره تکلیف مربوط نه فقط انگیزه لازم را ندارند، بلکه احتمالاً در آن زمینه دارای نقص تجربیات یادگیری قبلی هم هستند.

تعریف مصطلحات

۱. خوانایی^۴

برای خوانایی تعریف دقیق و مشخصی وجود ندارد، چون پژوهشگران در این زمینه خوانایی را برحسب ابزاری که برای اندازه‌گیری به کار می‌گیرند، تعریف می‌کنند. هاریس آن را این‌گونه تعریف می‌کند که خوانایی تناسب و هماهنگی بین محتوای مورد آموزش و توانایی خواندن فراگیرانی است که کتاب برای آن‌ها نوشته شده است (هاریس و سیپی^۵، ۱۹۸۰). از نظر داویسن، خوانایی اندازه‌گیری درجه دشواری متن برای فراگیران آن متن

1. Fry
2. Cardak
3. Alverman
4. readability
5. Harris & Sipay

است (دیوید سن^۱، ۱۹۹۰: ۳۶۲). و در تعریفی دیگر این گونه آمده که خوانایی عبارت از توانایی شخص بر فهم محتوای نوشته شده با توجه به درجه سهولت و اسلوب نگارش آن است (تمیزورک^۲، ۲۰۱۰: ۶۴۶).

۲. سطوح خوانایی^۳

از دیدگاه کلوز محتوای یک کتاب در یکی از سه سطح خوانایی زیر دسته‌بندی می‌شود: (تایلر^۴، ۱۹۵۰؛ ولینگتن و اوبسرم^۵، ۲۰۰۱)

- سطح مستقل یا خودآموز بودن^۶ سطحی از خوانایی است که فراگیر خودش می‌تواند بدون کمک معلم، متن را بخواند و آن را بفهمد. دامنه این سطح در آزمون‌های تک-گزینه بین ۵۰ تا ۶۰ درصد و در آزمون‌های چندگزینه، بین ۷۰ تا ۸۰ درصد است.
- سطح آموزشی^۷ سطحی است که فراگیر می‌تواند با کمک معلم و با نظارت او متن را بخواند و آن را بفهمد. دامنه این سطح در آزمون‌های تک‌گزینه بین ۳۵ تا ۵۰ درصد و در آزمون‌های چندگزینه، بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است.
- سطح دشوار^۸ سطحی از خوانایی است که باعث ایجاد ناکامی در فراگیر می‌شود و فراگیر حتی با کمک معلم نمی‌تواند متن را بخواند و آن را درک کند و فهم متن برایش دشوار است. دامنه این سطح در آزمون‌های تک‌گزینه زیر ۳۵ درصد و در آزمون‌های چندگزینه، زیر ۵۰ درصد است.

روش پژوهش

برای محاسبه قابلیت خوانایی تلاش‌های زیادی شده و از طرف پژوهشگران و صاحب‌نظران، روش‌ها و فرمول‌های مختلفی به این منظور ارائه شده است که یکی از آنها روش کلوز^۹ است. این روش توسط ویلسون تایلر^{۱۰} در دانشگاه ایلی نویز امریکا مطرح شد.

1. Davison
2. Temizyurek
3. readability levels
4. Taylor
5. Wellington & Obsorme
6. Independent Level
7. instructional level
8. frustration level
9. Cloze
10. Wilson Taylor

او استفاده از آزمون‌های حذف کردنی با عنوان آزمون‌های بسته پاسخ را برای اندازه‌گیری فهم افراد از متن پیشنهاد کرد (تایلر، ۱۹۵۰). این روش مبتنی بر این فرض است که افرادی بهتر می‌توانند کلمات اشتباه را تشخیص دهند که از توانایی خواندن بالاتری برخوردار باشند. در این روش از یک متن به طور متوالی تعدادی کلمه، معمولاً ۵۰ کلمه حذف می‌شود و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا جاهای خالی را با کلمات صحیح پر کنند. درصد کلماتی که به طور صحیح تکمیل می‌شوند معرف نمره آزمودنی در این روش است. هرچه نمره آزمودنی کمتر باشد نشان‌دهنده دشواری بیشتر متن است، زیرا حتی افراد موفق نمی‌توانند در متن‌های دشوار بیش از ۶۵ درصد کلمات را درست تکمیل نمایند. در این روش نمرات با توجه به نوع پاسخ‌های مورد نیاز (تک گزینه‌ای و چند گزینه‌ای) به شرح جدول ۱ تفسیر می‌شوند (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

جدول ۱ جدول تفسیر میزان خوانایی براساس تکنیک کلوز

تک‌گزینه	چندگزینه	نتیجه
۶۰ تا ۵۰ درصد	۷۰ تا ۸۰ درصد	خودآموز بودن
۳۵ تا ۵۰ درصد	۶۰ تا ۵۰ درصد	آموزشی بودن
زیر ۳۵ درصد	زیر ۵۰ درصد	ایجاد ناکامی

مراحل اجرای این روش عبارت‌اند از:

- انتخاب چند متن از قسمت‌های متفاوت کتاب (متنی که هنوز تدریس نشده است) جملات باید متوالی باشند.
- اولین جمله هر متن را به صورت کامل و بدون تغییر می‌نویسیم.
- پنجمین کلمه هریک از متن‌ها را حذف می‌کنیم و به جای آن نقطه‌چین می‌گذاریم (تعداد جاهای خالی براساس میزان توانایی فراگیران از ۲۰، ۲۵، ۵۰، ۷۵ و ۱۰۰ قابل تغییر است ولی ۵۰ مناسب‌تر است).
- متن در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد تا به تکمیل کلمات حذف شده بپردازند.
- برای تعیین درصد خوانایی، تعداد کل پاسخ‌های صحیح فراگیران را بر کل

پاسخ‌های صحیح مورد انتظار تقسیم می‌کنیم.
۶. تفسیر درصد حاصل براساس جدول شماره ۱ (پارمحمدیان، ۱۳۷۷: ۱۶۳؛ معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

ماده درسی مورد پژوهش

ماده درسی مورد سنجش در این پژوهش جلد اول از مجموعه کتاب «متون و قواعد زبان عربی» است. این مجموعه ۶ جلدی تألیف عیسی متقی‌زاده توسط انتشارات فاطمی به منظور تدریس به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده که در مجلدات ۱ و ۲ به مباحث صرفی و در ۴ جلد بعدی به مباحث نحوی و ترجمه پرداخته است. در تدوین این کتاب، قواعد و متون به شکل تلفیقی به کار رفته و در تهیه متون از آیات، احادیث، داستان، شعر، تمثیل و ... استفاده شده است (متقی‌زاده، ۱۳۹۵). از ویژگی‌های متمایز این مجموعه، چنان که در متن پشت جلد کتاب به آن اشاره شده است، پرداختن به ارتباط زبان فارسی و عربی است. چه اینکه زبان عربی بخشی از هویت ملی و دینی ایرانیان است و در شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان به عنوان قومی متفکر، خوش ذوق و دانش‌دوست نقش بسزایی داشته است.

جلد اول این کتاب مشتمل بر ۱۵ درس است که در هر درس، بعد از متن اصلی و بیان قواعد صرفی و تمرین‌ها، بخشی به عنوان «بازتاب زبان عربی در فارسی» آورده شده که به بیان ارتباط زبان عربی و فارسی پرداخته است. این بخش از کتاب ارتباط فرهنگی و ادبی میان دو زبان فارسی و عربی را به خوبی بیان کرده و به طور غیرمستقیم بر ضرورت یادگیری زبان عربی به منظور فهم بهتر ادبیات غنی فارسی، اشاره نموده است. جلد اول این مجموعه به عنوان ماده درسی برای دانشجویان ترم یک مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی در نظر گرفته شده است و ماده اصلی پژوهش حاضر، همین جلد مذکور است.

ابزار پژوهش و جامعه آماری

ابزار پژوهش یک آزمون محقق‌ساخته شامل ۴۰ سؤال چندگزینه‌ای است که در طراحی سؤالات آن چهار متن از درس‌های اول، چهارم، هشتم و پانزدهم کتاب انتخاب شده است و به منظور بررسی اعتبار و روایی آزمون، سؤالات توسط دو تن از اساتید متخصص در زمینه آموزش زبان عربی و دو تن از اساتید حوزه علوم تربیتی ارزیابی شده و با مشورت

ایشان اصلاحاتی در آن صورت گرفته است و در نهایت، بر یک نمونه ۳۶ نفری از دانشجویان ترم یک رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز اجرا گردید و پس از تصحیح آزمون اطلاعات مورد نیاز به دست آمده است.

سنجش خوانایی کتاب *متون و قواعد زبان عربی ۱* براساس روش کلوز

سؤال اول پژوهش: براساس فرمول خوانایی کلوز، متن کتاب *متون و قواعد زبان عربی ۱* در چه سطحی از خوانایی قرار دارد؟
برای پاسخ به این سؤال، آزمون چندگزینه‌ای شامل ۴۰ سؤال به دانشجویان عرضه شد و پس از تصحیح اوراق امتحانی، اطلاعات اولیه به دست آمده است که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲ توزیع نمرات دانشجویان براساس فرمول کلوز

نمرات	
فراگیران	۳۵ ۳۱ ۳۰ ۲۶ ۲۳ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۰ ۹ جمع کل
(X)	
فراوانی (F)	۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۳ ۱ ۵ ۲ ۶ ۴ ۳ ۳ ۳ ۲ ۳۶
جمع کل (FX)	۳۵ ۳۱ ۳۰ ۲۶ ۲۳ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۰ ۹ ۵۹۳

$$\sum FX = \frac{593}{36} = 16/47$$

$$= \frac{16/47 \times 100}{40} = 41/17 \text{ نمره خوانایی کلوز}$$

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که نمرات فراگیران مورد آزمون در تکمیل ۴۰ سؤال چندگزینه‌ای بین نمره ۹ تا ۳۵ بوده است و میانگین نمرات آنان ۱۶/۴۷ از سقف نمره ۴۰ می‌باشد. حداقل نمره با فراوانی ۲ فراگیر معادل ۹ و بیشترین نمره با فراوانی ۱ فراگیر معادل ۳۵ می‌باشد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات و تبدیل نمرات به نسبت ۱۰۰ به منظور قرار دادن آن‌ها در جدول کلوز، نتایج بیانگر این است که میانگین به دست آمده از پاسخ‌های فراگیران معادل ۴۱/۱۷ درصد می‌باشد و با توجه به جدول تفسیر میزان خوانایی براساس تکنیک کلوز (جدول شماره ۱)، می‌توان نتیجه گرفت که محتوای

کتاب مورد ارزیابی در سطح استرس و فشار روانی بوده و متن کتاب از چنان درجه پیچیدگی برخوردار است که نه تنها وجود معلم برای تفهیم و آموزش مطالب کتاب ضروری است، بلکه فراگیران را دچار یأس و ناامیدی نموده است و باعث ایجاد ناکامی در آنان می‌شود.

سؤال دوم پژوهش: چه میزان از فراگیران در سطح دشوار و چه میزان از آنان در سطح آموزشی و چه میزان در سطح خودآموز قرار دارند؟
داده‌های مربوط به فراوانی و درصد توزیع فراگیران در هر یک از سطوح خوانایی در جدول و نمودار زیر آمده است:

جدول ۳ فراوانی و درصد توزیع فراگیران در سطوح مختلف خوانایی

سطح خوانایی	فراوانی	درصد
دشوار	۲۹	۸۰/۵۶٪
آموزشی	۴	۱۱/۱۱٪
خودآموز	۳	۸/۳۳٪
جمع	۳۶	۱۰۰٪



نمودار ۱ فراوانی و درصد توزیع فراگیران در سطوح مختلف خوانایی

همان‌گونه که از جدول و آمار نمودار فوق استنباط می‌شود، از میان ۳۶ فراگیر مورد آزمون، تعداد ۲۹ نفر، متن کتاب برایشان در سطح دشوار بوده است و در سطح استرس و فشار روانی می‌باشند که معادل ۸۰/۵۶٪ از کل فراگیران است. متن برای ۴ نفر از فراگیران در سطح آموزشی قرار دارد که معادل ۱۱/۱۱٪ از کل فراگیران است و برای ۳ نفر از افراد مورد آزمون، متن کتاب در سطح خودآموز و مستقل قرار دارد که ۸/۳۳٪ از کل فراگیران است. بنابراین فراگیری متون این کتاب برای اکثر فراگیران دشوار است و تنها درصد بسیار کمی از آنان قادر به فهم متون به شکل مستقل و یا آموزش با نظارت معلم هستند.

در این پژوهش فرض بر این بود که متن این کتاب برای فراگیران در سطح متناسبی از خوانایی باشد و بیش از ۶۰٪ دانشجویان در سطح آموزشی باشند، ولی نتایج آزمون با فرضیه‌ها هماهنگی ندارد و نشان‌دهنده این است که متن این کتاب برای فراگیران ترم اول کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی، دشوار است و منجر به ایجاد رغبت و جذابیت در فراگیران نمی‌گردد. «مطابق قاعده‌ای تجربی، کتاب‌های درسی برای مقطع کاردانی یا کارشناسی باید در حد کتاب دوازدهم نوشته شود. زیرا خواننده تازه دبیرستان را گذرانده است.» (لیونکا، ۱۳۹۱ به نقل از جعفری هرنندی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۹)؛ اما چنان‌که نتایج آزمون نشان می‌دهد، متن کتاب در سطح بالاتری از سطح دانشجویان تدوین شده است.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی و سنجش سطح خوانایی کتاب متون و قواعد زبان عربی بر اساس شاخص خوانایی کلوز بود. میانگین و درصد پاسخ‌های صحیح به این آزمون نشان داد که متن کتاب برای آموزش به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، متنی دشوار و پیچیده است و برای تفهیم و آموزش مطالب کتاب نه تنها وجود معلم ضروری است، بلکه فراگیران را دچار یأس و ناامیدی نیز می‌نماید و باعث ایجاد ناکامی در آنان می‌شود و از نظر سطوح خوانایی کلوز، در سطح استرس و فشار روانی قرار دارد. متون کتاب برای اکثر مخاطبان آن دشوار است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که درصد بسیار کمی از فراگیران قادر به فهم آن به شکل مستقل و یا آموزش با نظارت معلم (استاد) هستند.

در مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، این نکته قابل توجه است که با توجه به تازه‌تألیف بودن کتاب متون و قواعد زبان عربی، پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که به منظور تحلیل محتوای این کتاب انجام شده است و به دلیل نبود پژوهشی درباره

این کتاب، نمی‌توان نتایج پژوهش حاضر را با پژوهشی دیگر در این زمینه مقایسه کرد. امید است که نتایج این پژوهش برای نویسندگان و برنامه‌ریزان کتب درسی سودمند واقع شود؛ و در تدوین کتب درسی همه رشته‌ها، سنخیت و تناسب محتوای کتاب با فراگیران، بیشتر رعایت شود و در تألیف هر کتاب، به معیار علاقه و سطح سنی و میزان رشد واژگانی مخاطبان آن کتاب توجه شود. به‌ویژه تلاش شود تا در کتاب‌های آموزشی عربی که برای دانشجویان رشته‌های دیگر نگاشته می‌شود، انتخاب متون به گونه‌ای باشد که باعث ترغیب و ایجاد انگیزه در فراگیران شود. آموزش متون در قالب داستان‌های کوتاه و جذاب، با جملات کوتاه و قابل فهم برای مخاطبان، و همچنین استفاده از مضامین مشترک دو زبان عربی و فارسی و یا اشعار ملمع می‌تواند در انگیزش فراگیران این رشته نسبت به زبان و ادبیات عربی مؤثر واقع شود.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). *بازاندیشی زبان فارسی*، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر. برای دهقی، فرزانه (۱۳۹۶). *خوانش پذیری کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه بر اساس تکنیک خوانایی کلوز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کاشان: دانشگاه کاشان.
- جعفری، علی (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی تحول معنایی واژه‌های عربی در زبان فارسی با معنای آن واژه‌ها در زبان عربی امروزی»، *مجله مطالعات انتقادی ادبیات*، سال دوم، شماره پنجم، ص ۱۹-۳۲.
- جعفری‌هرندی، رضا و سیدابراهیم میرشاه جعفری (۱۳۸۹). «تبیین فرمول‌های خوانایی به عنوان روشی اساسی در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی»، *فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۶، شماره ۶۳، ص ۹۷-۱۱۶.
- جوارینه، محمد (۲۰۰۸). «مستوی مقروئیه کتاب التریبه الاجتماعیه و الوطنیه للصف الرابع الاساسی فی الاردن»، *المجله الاردنیة فی العلوم التربویة*، جلد ۴، شماره ۲، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- حسن‌مرادی، نرگس (۱۳۸۸). *تحلیل محتوای کتاب درسی*، تهران: انتشارات آبیژ.
- دهقانیان، جواد و صدیقه جمالی (۱۳۹۱). «بررسی و نقد ترجمه و شرح مبادئ العربیه ۴ (قسمت نحو) شرح سید علی حسینی»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۲، ص ۳۷-۵۶.
- رسولی، مهستی و زهرا امیرآشنایی (۱۳۹۳). *تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- الرشیدی، مفلح حمود (۲۰۰۵). *مستوی مقروئیه کتاب لغتی العربیه المقرر للصف الرابع الابتدائی فی دولة الکویت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، عمان: جامعه عمان للدراسات العربیه.
- السرحانی، عون بن محمد عامر (۲۰۱۱). *مستوی مقروئیه و درجه اشتراکیه نصوص کتاب اللغة العربیه*

- للصف الرابع الابتدائي في المملكة العربية السعودية، پایان نامه کارشناسی ارشد، اردن: دانشگاه مؤته. شعبانی، امامعلی و رزا معماری (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای متون درسی تاریخ دانشگاه‌ها با تأکید بر تکنیک سطح خوانایی فرای»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۸، ص ۹۶-۷۷.
- شکرانی، رضا (۱۳۷۵). «ضرورت تحول در آموزش زبان عربی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، شماره ۱۹۸، ص ۳۸-۲۰.
- غلامی احمدی، معصومه و محسن نوکاریزی و اعظم صنعت جو (۱۳۹۵). «تعیین سطح خوانایی مقاله‌های دانشمند رشد با هدف شناسایی گروه مخاطب با استفاده از شاخص‌های گانینگ/دیانی، فلش/دیانی و فرای/دیانی»، پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ششم، شماره ۱، ص ۳۵۸-۳۴۱.
- فضل‌الهی، سیف‌اله و منصوره ملکی توانا (۱۳۹۰). «ارزیابی و سنجش خوانایی کتاب علوم پایه سوم ابتدایی بر اساس پنج فرمول فرای، گانینگ، فلش، لافلین و کلوز»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۱۶۲-۱۴۱.
- لیونکا، مری آلن (۱۳۹۱). نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی، ترجمه مجید خیام‌دار و همکاران (زیر نظر فریبرز مجیدی)، چاپ سوم، تهران: سمت.
- متقی‌زاده، عیسی (۱۳۹۵). متون و قواعد زبان عربی ۱، تهران: انتشارات فاطمی.
- متقی‌زاده، عیسی و ابراهیم خدایار (۱۳۹۵). «مأثورات عربی در متون منشور فارسی» (بررسی تطبیقی شیوه‌های اثرگذاری مأثورات عربی در متون منشور فارسی با تکیه بر ده اثر از سده ۴ تا ۶ ه. ق)، فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۴، شماره ۳، ص ۲۵-۱.
- متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همراه با اصلاحات (۱۳۶۸).
- محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۷). روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، تهران: گنجینه علوم انسانی، دانش نگار.
- معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف‌زاده (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی، همدان: سپهر دانش.
- مؤمنی، عبداللطیف عبدالکریم و محمد مجلی مؤمنی (۲۰۱۱). «مستوی مقروئیه کتاب اللغة العربیة للصف الرابع الأساسی فی الاردن»، مجله جامعه دمشق، جلد ۲۷، شماره ۳، ص ۵۸۶-۵۷۷.
- مؤمنی هزاوه، امیر (۱۳۸۴). «روابط ایران و عرب و تأثیر آن در ادبیات فارسی و عربی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۹، پیاپی ۹۳، ص ۷۷-۶۴.
- الناجی، حسن بن علی (۲۰۰۳). مستوی مقروئیه و درجه اشراکیه کتاب اللغة العربیة للصف السادس الابتدائی فی امارات العربیة المتحدة، برگرفته شده از سایت: www.lahaonli.com تاریخ: ۲۰۱۱/۱۲/۹.
- نوروززاده، رضا و ندا رضایی (۱۳۸۸). «پیش‌بایست‌ها و الزامات کتاب درسی دانشگاهی»، عیار، شماره ۲۳، ص ۱۳۸-۱۱۷.
- نیک‌نفس، سعید (۱۳۹۲). «نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش و طراحی کتاب‌های درسی»، مجله جهانی رسانه، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۵۰-۱۲۴.
- هاشمی، سیداحمد و ابوذر همتی و محمودرضا کاظمی (۱۳۸۹). «تحلیل محتوای کتاب مهارت‌های اجتماعی - اقتصادی سال اول پیش حرفه‌ای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از منظر خوانایی با استفاده از تکنیک‌های خوانایی (روش کلوز، روش بررسی تصاویر و روش بررسی پرسش‌ها) و نظرات دبیران

این درس، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره ۴، ص ۴۳-۶۴.
یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی، ماهیت برنامه‌ریزی درسی - مبانی فلسفی، روانشناختی و جامعه‌شناسی برنامه، تحلیل محتوای برنامه یا کتاب درسی، تهران: انتشارات یادواره کتاب.

Alverman, D.E. (1989). "Teacher-Student Mediation of Content Area Text", *Theory into Practice*, 28(2), pp. 142-147.

Cardak, Osman; Dikmenil, Musa; Guven, Serdar (2016). "Grade Science Textbook Readability and Compatibility With the Target Age Level", *International Resaerch in Higher Education*; Vol. 1, No. 1, pp. 101-106.

Davison A. (1990). "Readability and Reading levels in Wallbery", I and Hertal, D (Eds.), *International Encyclopedia of Educational Evaluation* (pp. 362-364), New York: pergamon press.

Fry, E. (2000). "Readability Versus Leveling", *The Reading Teacher*, 56, pp. 286-291.

Harris, A. and Sipay, R. (1980). *How to increase Readability*, N.y. Longman.

Holsti, Ole. R. (1969). *Contect Analysis for the Social Scinces and Humanities. Published by Reading Mass*, Addison-Wesley Pub.Co.

Johnson, R. K. (2000). "Readability School Science", web: *Timetable.com*.

Taylor. L. Wilson (1950). "Cloze Prucedure: A New Tool for Measuring Readability", *Journalism Auarterly*, Vol, *Journalismauarterly*, Vol. 30 issue:4, pp. 415-433.

Temizurek, Fahri (2010). "The Investigation of the word and sentence legth and the readability of the books which are selected in Turkey for the purpose of reading literacy", *Science Research in the Jornal of Turkishness*, Vol. 15 , No.27, pp. 645-654.

Wellington, J. and Obsorme, J. (2001). *Language and Literacy in Science Education*, Buckingham, open University Press.